

ژرژ باتای

مترجم: فرزاد کریمی

ادبیات و شر

بررسی مضمون شر در آثار

امیلی برونته

مارسل پروست

مارکی دوساد

کلاسیک‌ها

نشر سبب سرخ
SARB PUBLISHERS

ادبیات و شر

سرشناسه: باتای، ژرژ، ۱۸۹۷ - ۱۹۶۲ م.

Bataille, Georges

عنوان و نام پدیدآور: ادبیات و شر: بررسی مضمون شر در آثار امیلی برونته، مارسل پروست، مارکی دوساد/

نویسنده ژرژ باتای؛ مترجم فرزاد کریمی؛ ویراستار شهریار وقفی‌پور.

مشخصات نشر: تهران: نشر سیب سرخ، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۹۸ ص.

فروست: سری کلاسیک.

شابک: ۱-۲۲-۷۲۴۰-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: *Littérature et le mal*.

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "Literature and evil" به فارسی ترجمه شده است.

عنوان دیگر: بررسی مضمون شر در آثار امیلی برونته، مارسل پروست، مارکی دوساد.

موضوع: خیر و شر در ادبیات

Good and evil in literature

موضوع: ادبیات جدید -- تاریخ و نقد

Literature, Modern -- History and criticism

شناسه افزوده: کریمی، فرزاد، ۱۳۶۸، - مترجم

رده بندی کنگره: PN۵۶

رده بندی دیویی: ۸۰۹/۹۳۳۸

شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۱۱۸۹۸

نویسنده: ژرژ باتای

مترجم: فرزاد کریمی

ادبیات و شر

سری کلاسیک

بررسی مضمون شر در آثار

امیلی برونته / مارسل پروست / مارکی دوساد



ادبیات و شر

نویسنده: ژرژ باتای

مترجم: فرزاد کریمی

صفحه آرایی: رقیه قنبری تقدیس

ویراستار: شهریار وقفی‌پور

مدیر هنری و طراح جلد: ناصر نصیری

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ تهران

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۱- ۲۲- ۷۲۴۰- ۶۲۲- ۹۷۸

نشر سیب سرخ

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ پارسا، پلاک ۱۰۳

۶۶۹۷۳۱۸۳ ۶۶۹۷۲۹۷۶

www.nashresibesorkh.ir



شهریاری یا ساکت است یا سقوط کرده، من فقط ساکتیم. عالم ساکت است

ژرژ باتای

فهرست

۱۱	 سخن مترجم
۱۳	 درباره‌ی نویسنده
۲۰	 نگاهی به مصاحبه‌ی ژرژ باتای در باب ادبیات و شر
۲۵	 شناخت‌نامه‌ای در باب پروت، پروست و ساد
	پرونده‌ی اول:

۴۵	 امیلی پروت
۴۷	 اروتیسیسم تصدیق زندگی تا لحظه‌ی مرگ است
۴۹	 کودکی، عقل و شر
۵۳	 امیلی پروت و تخطی
۵۷	 ادبیات، اختیار و تجربه‌ی عرفانی
۶۱	 اهمیت و معنای شر

پرونده‌ی دوم:

۶۳	 مارسل پروست
۶۵	 عشق به حقیقت و عدالت و فهم سوسیالیسم
۶۸	 اخلاق در پیوند با تخطی از ارزش‌های اخلاقی
۷۰	 لذت مبتنی بر حس و مفهومی جنایتکارانه از اروتیسیسم
۷۳	 عدالت، حقیقت و اشتیاق

پرونده‌ی سوم:

۷۷	 مارکی دوساد
۷۸	 مارکی دوساد و روان‌پریشی‌های باستانی
۸۱	 اراده‌ی معطوف به خودتخریبی
۸۳	 افکار ساد
۸۸	 شوریدگی ساد
۹۲	 از رهایی تا گشایش آگاهی
۹۵	 پی‌نوشت

تقدیم به

شهریار وقفی پور

برای اولین بار با ترجمه‌های تو مفتون ژرژ باتای شدم و این آغاز راهی شد هر چند سخت اما لذت بخش؛ چرا که هیچ لذتی ممکن نخواهد بود اگر تلخی وجود نداشته باشد و هیچ تلخی رخ نمی‌دهد اگر شیرینی و شغفی را تجربه نکنیم، این شغف و شور مدیون تلخی‌هایی است که تجربه می‌کنیم، تلخی‌هایی که عریانی وجودمان را به نمایش می‌گذارد، عریانی‌ای که حقیقت زندگی ما است.

راستی، آهنگ جدید باب دیلن (پیامبر دروغین) از آلبوم جدیدش منتشر شد، شنیدی؟ آهنگی که رنگ و بوی سانگ‌های آلمن برادرز و کلاپتون را داشت اما به ورس سوم آهنگ توجه کن:

من مخالف خیانت کردم

من مخالف هر نوع نزاعم

من مخالف بیهوده زیستم

من پیامبر دروغین نیستم

من فقط می‌دونم چی می‌خوام

من به جایی می‌رم که فقط

آدم‌های سبک‌بال و تنها می‌تونن برن

برایت آشنا نیست؟ هنوز هم دیلن وسط خال می زند، جامعه‌ای که فردیت و استقلال فکری را تجربه نکند و به فردیت خویش احترام نگذارد لایق تجربه‌ی بدترین دیکتاتوری‌ها و فاشیستی‌ترین سیستم‌ها است چرا که خود با طرز فکر وابسته و نوچگی و کاسه‌ی گدایی در دست گرفتن و کرنش، به پرورش دیکتاتور می‌اندیشد، مرگِ اندیشه‌ی وابسته و نوچه‌صفت بودن و گدایی ذهنی شاید بتواند جرقه‌های راهی طولانی برای تغییری بنیادین را رقم بزند در غیر این صورت تا زمانی که اندیشه‌ی انسان تغییری بنیادین را تجربه نکند و غذای مصرفی درستی به آن ذهن خورانده نشود قطعاً آن جامعه هیچ تغییری نخواهد کرد و محکوم به مرگ است.

با احترام

سخن مترجم

اول: اثر پیش روی شما در دو جلد و در قالب دو سری کلاسیک (کتاب حاضر) و مدرن به بازار نشر عرضه می‌شود.

دوم: پروسه‌ی ترجمه‌ی این سری بنا به حساسیت‌هایی که در انتخاب تک‌تک واژگان و ترجمه‌ی روان، با توجه به فهم زبان سنگین و در عین حال شاعرانه و دارای گره‌های فکری باتای بیش از پنج ماه زمان برد و بی‌شک اگر نبود مشورت‌ها و هم‌فکری‌های به‌جای شهریار وقفی‌پور که پیش از این آثار متفکرانی نظیر هارولد بلوم و ژرژ باتای و... توسط او و با قلم روانش در ایران ترجمه شده بود؛ کار با این میزان از سخت‌گیری و دقت به مرحله انتشار نمی‌رسید. بدین وسیله از زحمات و هم‌فکری‌های او نهایت قدردانی را دارم، آن‌چنان ترجمه این کار تمامیت من را در آغوش گرفت که با وسواس زیادی آن را پیگیری و ترجمه کردم؛ چه بسا روزهایی که تنها با ترجمه‌ی یک صفحه از این اثر گذشت تا مبادا جفا و اجحافی در حق اثر و نویسنده‌ی آن (باتای) که یکی از فیلسوفان مورد علاقه‌ی نگارنده (مترجم) است صورت گیرد و پشت تک‌تک واژگان و عبارات فکری نهفته است با این امید که غسل در کام مخاطب شود.

سوم: در مجموعه فوق مضمون شر در آثار امیلی برونته، مارسل پروست

و مارکی دوساد مورد بررسی قرار گرفته است و عمدتاً تمرکز نویسنده بر روی کتاب‌های بلندی‌های بادگیر (امیلی برونته)؛ ژان سنتوی، در جستجوی زمان از دست رفته (مارسل پروست)، صدویست روز در سودوم، ژولیت و ژوستن (مارکی دوساد) است.

چهارم: در ترجمه‌ی این اثر از متد ترجمه‌ی مفهومی استفاده شده است که در ترجمه‌ی فلسفه، به خصوص ترجمه‌ی آثار باتای، ترجمه‌ی لغت به لغت دیوانگی محض است و سبب ایجاد نارسایی در متن می‌شود.

پنجم: از میان هفت مقاله‌ی موجود در کتاب اصلی، سه مقاله برای سری کلاسیک و چهار مقاله برای سری مدرن برگزیده شده است که در آن زیست نویسنده در هر دوره‌ای مبنای انتخاب کلاسیک و مدرن بودن توسط مترجم بوده است.

درباره‌ی نویسنده

در حوالی جنون، پرسه بزن

ژرژ آلبر موریس ویکتور باتای (زاده‌ی ۱۰ سپتامبر ۱۸۹۷ - درگذشته‌ی ۹ ژوئیه ۱۹۶۲) نویسنده و فیلسوف فرانسوی است که گرایش مارکسیسم ضد استالینیستی و مدتی هم همکاری فکری با سوررنالیست‌ها داشت، اگر چه بعدتر از آن‌ها فاصله گرفت و راهش را جدا کرد. طیف علایق و توجهات او فلسفه، اقتصاد، نظریه‌ی ادبی، رمان‌نویسی، زیبایی‌شناسی و سیاست را در بر می‌گیرد. موضوع محوری کار او انهدام سوژه، مرگ خود یا نابودی آگو و براندازی هرگونه تصویری در باب تمامیت، کلیت، یا انسجام در «من» است. متون او قطعه‌وار، هزارتوگون، شدت‌مند، هذیانی، رازآلود، غیرعقلانیت‌گرا و در عین حال دشوارند. بسیاری فلسفه‌ی او را پاسخی در برابر فاشیسم زمانه‌اش تلقی می‌کنند: تلاش برای نابودی هرگونه سلسله‌مراتب، نابودی هر شکلی از فیگور یا چهره‌ی پیشوا، رهبر، رئیس و قانون. انتشار مکاتبات جالب توجه میان گروه جامعه‌شناسی آسفالوس در فرانسه که زیر نظر باتای، کولوسوفسکی، لیری، ماسون و دوستانشان فعالیت می‌کرد، و مکتب فرانکفورت در آلمان که زیر نظر آدورنو، هورکهایمر، و بنیامین فعالیت داشت، نشانگر نقاط نزدیکی و دوری دو اندیشه‌ی انتقادی معاصر در رویارویی با یورش فاشیسم به پهنه‌ی میدان اجتماعی نیروها است.

وی از به کار بردن اصطلاح فیلسوف درباره‌ی خود اجتناب می‌کرد. باتای به همراه برخی از مشهورترین روشنفکران فرانسه از جمله روزه کایوآ و پیر کلسوفسکی در دوره‌ی بین دو جنگ جهانی، یکی از بنیان‌گذاران گروه جامعه‌شناسی فرانسه بود. میشل لیری، الکساندر کوژو و ژان وال نیز برخی دیگر از بنیان‌گذاران بودند.

نارضایتی از سورنالیسم منجر به اتحاد اعضای گروه شد. آن‌ها معتقد بودند که تمرکز سورنالیسم بر ناخودآگاه، فرد را بر جامعه ارجحیت می‌دهد و بعد اجتماعی زندگی انسانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اعضای کالج برای مقابله با این مسئله بر «جامعه‌شناسی امر مقدس» متمرکز شدند که به معنی مطالعه‌ی همه‌ی وجوه اجتماعی‌ای است که در آن حضور تقدس آشکار است. این گروه، از آثاری در زمینه‌ی انسان‌شناسی استفاده کردند که به فعالیت جوامع بشری یا به فعالیت‌های دسته‌جمعی آن‌ها می‌پرداخت. کالج جامعه‌شناسی به جای اوهام و رویاهای فردگرایانه‌ی موجود در سورنالیسم، با استفاده از تجربیات ناب گروهی به کنکاش در امور بشری پرداخت.

باتای در بیلوم (اوورنی) متولد شد. او در ابتدا قصد داشت کشیش شود و به یک مدرسه‌ی علمیه کاتولیک می‌رفت اما در سال ۱۹۲۲ از ایمان خود روی گرداند. همواره گفته می‌شود که او روسپی‌خانه‌های پاریس را به عنوان کلیسای واقعی خود در نظر می‌گرفت، گرایشی که بازتابنده‌ی مفاهیم آثار وی است. وی سپس به عنوان کتابدار مشغول به کار شد و بدین ترتیب آزادی‌یی نسبی در پرداختن به علایق و اندیشه‌های خود به دست آورد.

باتای دوبار ازدواج کرد، ابتدا با سیلویا ماکله بازیگر زن که به طلاق در سال ۱۹۳۴ انجامید، و سیلویا پس از باتای با ژاک لکان روان‌کاو ازدواج کرد. همچنین باتای با کولت پینو هم در رابطه بود که در سال ۱۹۳۸ درگذشت. باتای در سال ۱۹۴۶، با دایان دو بوهارنای ازدواج کرد و از او صاحب یک دختر شد.

باتای مؤسس چندین مجله و نویسنده‌ی آثار هنری مختلف و فراوانی است: تفاسیر، اشعار و مقالات او درباره‌ی موضوعاتی بی‌شمار (عرفان، اقتصاد، شعر، فلسفه، هنر، تن‌کامگی) است. او گاهی هم آثار خود را با نام مستعار چاپ می‌کرد و برخی از آثار وی نیز ممنوع بودند. وی در طول زندگی خود نسبتاً نادیده گرفته شد و توسط معاصرانی چون ژان پل سارتر به عنوان مدافع عرفان مورد اهانت قرار گرفت، اما پس از مرگش تأثیر بسزایی بر نویسندگانی چون میشل فوکو، فیلیپ سولر و ژاک دریدا داشت که همگی با ژورنال *تِل کِل* در ارتباط بودند. تأثیر وی بر آثار ژان بودریار و همچنین در نظریه‌های روانکاوی ژاک لکان نیز محسوس است.

باتای در جوانی مجذوب سورنالیسم شد؛ اما پس از مدت کوتاهی با بنیان‌گذار آن آندره بروتن مشاجره پیدا کرد؛ اگرچه باتای و سورنالیست‌ها پس از جنگ جهانی دوم مجدداً روابط دوستانه‌ی خود را از سر گرفتند. باتای در فاصله‌ی میان دو جنگ جهانی عضو گروه جامعه‌شناسی فرانسه بود. چندین سورنالیست مرتد دیگر نیز در آن گروه حضور داشتند. وی به‌ویژه از طریق تفاسیر اومانستی مهاجر روس، الکساندر کوژو، بسیار تحت تأثیر هگل قرار گرفت. علاوه بر این، آثار زیگموند فروید، مارکس، مارسل موس، مارکی دوساد و فردریش نیچه نیز عمیقاً بر وی تأثیرگذار بودند. همچنین او در مقالاتی به نقد تفاسیر نازیستی از فردریش نیچه پرداخت.

باتای استعداد شگفت‌انگیزی در مطالعات بین‌رشته‌ای داشت. او از افراد گوناگونی تأثیر می‌گرفت و برای خلق اثر خود از روش‌های متنوع گفتمان استفاده می‌کرد. برای مثال، رمان او با عنوان *داستان چشم*، که با نام *مستعار لرد آوچ* منتشر شده و در ابتدا اثری مستهجن تلقی شده بود، در گذر زمان با کمک تفاسیرهای انتقادی، به تدریج شناخته شد و عمق فلسفی و عاطفی آن نمایان‌تر شد. صنایع ادبی این رمان بر پایه‌ی استعاره‌ها بنا شده است که به‌نوعی به سازه‌های فلسفی در اثر او اشاره دارد: قهقهه، اشک، خلسه، وجد و عشق.

باتای فیلسوف بود اما برای بسیاری مانند سارتر، ادعاهای فلسفی او با عرفان آنتیستی هم‌مرز بود. او در طول جنگ جهانی دوم، تحت تأثیر نیچه و تفاسیر کوژو از هگل، مجموعه‌ای مدخل غیرالهیات را نوشت (عنوانی موازی با کتاب مدخل الهیات اثر توماس آکویناس) که شامل آثار تجربه‌ی درونی، گناه و در باب نیچه است. وی پس از جنگ کتاب سهم ملعون را تألیف و ژورنال مؤثر کریتیک را نیز تأسیس کرد.

باتای در اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۳۰ ماتریالیسم پایه را به‌عنوان تلاشی برای مقابله با ماتریالیسم اصلی توسعه داد. باتای استدلال می‌کند که مفهومی به‌عنوان یک ماده‌ی فعال پایه وجود دارد که تضاد بین طبقات بالا و پایین را مختل می‌کند و همه پایه‌ها را بی‌ثبات می‌کند. این مفهوم به‌شکلی مشابه وحدت وجود غیرشخصی اسپینوزا است، که در آن موجودی که خصوصیات ذاتی ذهن و ماده مطرح شده توسط دکارت را دربرمی‌گیرد، اما با این وجود دارای تعریف دقیقی نیست و به‌جای عقلانیت در قلمرو تجربه باقی می‌ماند. ماتریالیسم پایه تأثیر عمده‌ای بر مفهوم ساختارشکنی دریدا داشت و هر دو در تلاش برای بی‌ثبات کردن تضادهای فلسفی با استفاده از «جمله یا ترم سوم» ناپایدار بودند.

برداشت بسیار ویژه‌ی باتای از «حاکمیت» (که ممکن است برخی آن را «ضد حاکمیت» بدانند) توسط ژاک دریدا، جورجو آگامبن، ژان لوک نانسی و دیگران مورد بحث قرار گرفته است. برداشت باتای از مفهوم حاکمیت، تحت تأثیر کوژو و ژان پل سارتر، به معنای واقعی کلمه در «نیستی» ریشه دارد. انسان موجودی است بدون ماهیت، بنابراین، برای سارتر، غایت عمل هر فرد عملی نیست انگارانه به معنای نفی وجود است.

باتای این برداشت را بر خود مفهوم حاکمیت اعمال می‌کند که در عمل نفی به بهترین وجه بیان می‌شود. حاکمیت نوعی آزادی افراطی است مانند افراط در نوشیدن که سامان فعالیت‌های عادی به منظور رسیدن به هدف را مختل می‌کند.

اقتصاد عام کتابی است که بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۹ نوشته شد و توسط انتشارات نیمه‌شب منتشر شد. این کتاب در سال ۱۹۹۱ به انگلیسی ترجمه و با عنوان سهم ملعون منتشر شد. این کتاب تئوری اقتصادی جدیدی را ارائه می‌کند که باتای آن را «اقتصاد عام» می‌نامد که با دیدگاه اقتصاد «خرد» که در اکثر نظریه‌های اقتصادی وجود دارد، در تمایز است. فصل اول این کتاب که به توضیح چهارچوب نظری آن می‌پردازد به دو بخش معنای اقتصاد عام و قوانین اقتصاد عام تقسیم می‌شود. باتای در توضیح معنای اقتصاد عام به چهار موضوع عمده که مرتبط و در امتداد یک‌دیگرند، اشاره می‌کند:

الف) وابستگی انرژی به گردش انرژی در جهان؛

ب) اجبار به یا ضرورت تلف کردن انرژی اضافه‌ای که نمی‌تواند در خدمت گسترش سیستم قرار بگیرد؛

ج) ارگانیزم محدود یا فقر جمعیت و ثروت مبالغه‌آمیز طبیعت جان‌دار؛

د) جنگ یا هزینه‌ی فلاکت‌بار انرژی انباشته.

در بخش دوم چهارچوب نظری سهم ملعون که به قوانین اقتصاد عام اختصاص یافته است باتای به توضیح و بسط این زیرشاخه‌ها می‌پردازد:

الف) بیوشیمی انباشت انرژی و گسترش؛

ب) محدودیت توسعه و گسترش؛

پ) فشار؛

ج) اولین تأثیر فشار: توسعه؛

چ) دومین تأثیر فشار: پراکندگی و یا روی آوردن به تجمل؛

ح) سه موضوع تجمل طبیعت: خوردن، مرگ و تولیدمثل؛

خ) وسعت پیدا کردن به واسطه‌ی کار و تکنولوژی؛ تجملات بشری؛

د) سهم ملعون یا نفرین شده؛

ذ) تضاد بین منظر عمومی و منظر خصوصی؛

ر) راه‌حل‌های اقتصاد عام و آگاهی از خود.

باتای در توضیح راه‌حل‌های اقتصاد عام قبل از هر چیز تأکید می‌کند که وجود راه‌حل‌های تنوریک را نباید به هیچ عنوان به معنای موجود بودن لوازم تحقق آن راه‌حل‌ها تصور کرد. او دستیابی به آگاهی را اصلی‌ترین راه‌حلی می‌داند که می‌تواند به یاری انسان امروز بیاید. اما برای او دستیابی به حقیقت خود، فقط و فقط در یک مسیر دیالکتیکی و به واسطه‌ی گریختن و دور شدن از خود است که امکان تحقق می‌یابد. به عقیده باتای با وجود این که نمی‌توان منکر اهمیت مداخله‌ی اجتماعی در رسیدن به سر منزل اقتصاد عام شد؛ این را هم نباید از یاد برد که دستیابی به آگاهی اصلی‌ترین هدف اقتصاد عام است.

بنابراین، مطابق نظریه‌ی مصرف باتای، سهم نفرین شده همان بخش مازاد و غیر قابل برگشت در هر اقتصاد است که صرف هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. این سهم یا باید به شکلی تجملاتی و آگاهانه و بدون کسب مهارت در مسائل جنسی غیر مولد، در طبیعت و بناهای باشکوه صرف شود، یا با اغماض صرف مخارج جنگی ظالمانه و فاجعه‌بار شود.

مفهوم انرژی «مازاد» در تفکر باتای بسیار مهم است. رویکرد باتای به وفور انرژی می‌پردازد، از جریان بی‌نهایت انرژی خورشیدی یا انرژی مازاد تولید شده توسط واکنش‌های شیمیایی پایه توسط موجودات زنده، آغاز می‌شود؛ به عبارت دیگر، برخلاف بازیگران منطقی اقتصاد کلاسیک که کمبود، باعث انگیزه گرفتن آن‌ها می‌شود، در اقتصاد عام باتای یک ارگانیسم دارای انرژی مازاد وجود دارد، این انرژی مازاد می‌تواند برای رشد ارگانیسم مورد استفاده قرار گیرد یا می‌توان آن را هدر کرد. باتای اصرار دارد که رشد یا گسترش ارگانیسم همیشه با محدودیت مواجه می‌شود و گسترش لایتناهی غیر ممکن است. هدر دادن این انرژی همان «تجمل» است. اندیشه‌ی باتای درباره‌ی پدیده‌ی جشن‌های عمومی، در تدوین این تئوری حائز اهمیت بود و از سویی متأثر از کتاب هدیه اثر مارسل موس و همچنین کتاب تبارشناسی اخلاقیات اثر فردریش نیچه است.

باتای از جمله اندیشمندانِ بیگانه با مماشات و مصالحه بود و به لحاظ خط فکری سورنالیسم، فاشیسم و استالینیسم را پس زد تا اثبات کند استقلال فکری و ایستادگی بر مواضع، می‌تواند به هر شکلی، ولو در دراز مدت، جریان‌ساز شود.